

## حق برخورداری از امنیت روانی با تأکید بر

### اندیشه‌های اسلامی - عرفانی امام خمینی (ره)

عاطفه حسینی فرد<sup>۱</sup>

سمیه صرامی<sup>۲</sup>

نفیسه نکویی مهر<sup>۳</sup>

#### چکیده:

امنیت یکی از نیازهای اولیه و غریزی بشر بوده، چنانکه از دیرباز یکی از دغدغه‌های اساسی بشر، تأمین امنیت در حوزه‌های مختلف زندگی بوده است. بسیاری از جنگ‌ها و صلح‌ها برای تأمین و حفظ امنیت رخ داده و می‌دهد. از بعد اسلامی امنیت در اسلام از لحاظ معنی و مفهوم اصطلاحی، دارای بعد و افق گسترده و فراگیری است. از میان مباحث امنیت، «امنیت روانی» یکی از مهمترین و در عین حال اساسی‌ترین موضوعات زندگی انسان‌ها است که تأمین و توجه به آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. همانگونه که انسان موجود پیچیده و شگرفی است، امنیت وی نیز از پیچیدگی خاص و شگرفی برخوردار است. این مسئله به ویژه در بخش امنیت روانی، خود را بیش از پیش نشان می‌دهد؛ از بعد عرفانی می‌توان گفت روان آدمی تحت تأثیر همه علل و عوامل درونی و بیرونی واکنش نشان می‌دهد. از این رو، در بهداشت و سلامت روانی شخص و با اجتماع باید به همه علل و عوامل توجه خاص شود. امنیت، واژه‌های پیچیده و به لحاظ کاربرد از گستردگی وسیعی برخوردار است. از درونی‌ترین افکار و احساسات بشری گرفته تا مهمترین مسائل بین دولت‌ها در برگیرنده مفهوم امنیت است. با توجه به مطالب مطرح شده در این مقاله بر آن شدیم تا با استفاده از آراء و نظرات اسلامی - عرفانی مقام معظم رهبری، راهکارهای ایجاد امنیت روانی و موانع آن را استخراج و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

#### کلید واژه‌ها:

امنیت روانی، راهکارها، موانع، اندیشه، عرفانی و کلامی، آیت الله العظمی خامنه‌ای.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری گروه فقه و حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۳</sup> - دانشجوی دکتری گروه حقوق عمومی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

حق برخورداری از امنیت روانی جزء حق‌ها و آزادی‌های فردی هر شهروندی است. مهم‌ترین مولفه‌های این حق شامل حق بر حریم خصوصی و آزادی اندیشه و حق برخورداری از دادرسی منصفانه است. با توجه به اصولی که در خصوص حمایت از این حق در قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی تدوین شده است. مهمترین مشکل برای یک کشور وقتی به وجود می‌آید که در محیط کار، در محیط زندگی، در محیط تحصیل و در فضای عمومی جامعه، مردم احساس امنیت نکنند. در فضای امنیت است که هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم روحیه و نشاط و هم همه فعالیت‌های یک کشور می‌تواند به درستی برنامه‌ریزی شود و با دقت دنبال گردد و به نتایج خود برسد. امنیت، یک مقوله اساسی است. امنیت اجتماعی، امنیت فردی، امنیت در همه محیط‌های زندگی، امنیت فکری و معنوی و روانی، همه اینها جزو انتظارات مردم است. «از میان مباحث امنیت، امنیت روانی یکی از مهمترین و در عین حال اساسی‌ترین موضوعات زندگی انسان‌ها است که توجه به آن و تأمین آنیک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به اهمیت و حساسیت ویژه موضوع امنیت روانی در عصر کنونی و نگاه‌های متفاوت به این موضوع توسط دانشمندان، نتایج مطالعات و بررسی‌های انجام شده حاکی از نگاه ویژه و جامع مقام معظم رهبری (مدظله)، بیش از سایر اندیشمندان و متفکران اسلامی به این موضوع مهم است. ایشان آنقدر به موضوع امنیت روانی اهتمام داشته‌اند تا جایی که به ریزترین جنبه‌ها و امنیت روانی یکی از مهمترین و در عین حال اساسی‌ترین موضوعات زندگی انسان‌ها است که تأمین و توجه به آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. شناخت مفهوم امنیت روانی، راهکارها و موانع آن، از جمله مسائل مهم و درخور توجهی است که این مقاله می‌کوشد تا به آنها بپردازد. رجوع به اندیشه و آرای رهبران دینی برای پاسخ به پرسش‌های یادشده، از اهمیت بسزایی برخوردار است. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که راه‌های ایجاد امنیت روانی و موانع آن در اندیشه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای چیست؟ بر این اساس مجموعه سخنان و بیانات ایشان از ابتدای تصدی جایگاه رهبری تا سال ۱۳۹۲، به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. محقق در این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا، جهت‌گیری‌ها، نقاط تأکید ایشان و تحلیل توجیهی، راه‌ها و موانع ایجاد امنیت روانی را واکاوی و دسته‌بندی نموده و نشان داده است که در نظر ایشان «دوری از قرآن، نداشتن پیشرفت در بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی، پایبند نبودن به شریعت اسلامی، کمبود عنصر ایمان در زندگی، التهاب آفرینی در فضای جامعه، آماده نبودن و ضعف ملت‌ها در مقابل دشمنان، غفلت از آرمان‌های معنوی، علمی بودن محض دانشگاه‌ها، انجام



- در مقاله «امنیت روانی، اقتصادی و اجتماعی» سخن از نسبت جامعه دینی با امنیت روانی، اقتصادی و اجتماعی است. در این نوشتار برای امنیت اجتماعی دو ساحت بیرونی و درونی ترسیم می‌گردد. که در ساحت درونی، معنویت و امنیت روحی - روانی همچون پایه بنیادین امنیت اجتماعی شناخته شده است و در ساحت بیرونی مؤلفه و شاخصه‌هایی نظیر دستگاه قضایی مستقل، امید به آینده، قانونمندی رفتار و برابری و توازن در برخورداری‌ها را برای تأمین و تحقق امنیت اجتماعی و سازوکار عمل آنها برشمرده و مورد ارزیابی قرار گرفته است. (همایون مصباح، ۱۳۸۴: ۸۸)

- در مقاله «قرآن و بهداشت روان» نویسنده سعی نموده به بررسی راهکارهایی برای تأمین بهداشت روانی که قرآن ارائه داده است بپردازد. راهکارهای شناختی مانند ایمان به خدا و راهکارهای رفتاری نظیر ازدواج و روابط اجتماعی. (صادقیان، ۱۳۸۷: ۶۹)

- در مقاله «نقش دین در بهداشت روان»، کوشش شده که راه‌حلی ارائه شود که تنها راه نجات، پناه بردن به دین و عمل به تعالیم دینی است. در این مقاله راهکارهای زندگی متدینانه ارائه و ۱۵ نمونه از عوامل آرامبخش دینی عنوان گردیده است. (طاهری، ۱۳۸۴: ۲۰)

- مقاله «نقش دین و باورهای دینی در سلامت روانی فرد و جامعه شیوه‌های عملی تأثیر دین و دین باوری بر سلامت روانی» را که شامل: تقویت اعتقادات مذهبی و پایبندی به وظایف، دعوت بر اساس محبت، استفاده از استدلال عقلانی و منطقی، تخلیه هیجانات، کسب احساس هویت، صداقت در رفتار، انعطاف‌پذیری، داشتن هدف در زندگی، احساس امنیت و آرامش خاطر پرداخته شده است. (عباسی اول، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۲)

#### ۱- دادرسی منصفانه

##### ۱-۱- اصول دادرسی عادلانه:

دادرسی عادلانه شامل مصادیق متعددی است که هر فردی در فرآیند دادرسی اعم از کیفری و مدنی از آن برخوردار است. برخی از مصادیق دادرسی عادلانه از جمله حق دادخواهی، دسترسی به دادگاه‌های بیطرف و مستقل و... عمومیت دارند و در انواع دعاوی مدنی و کیفری قابل اعمال می‌باشند و برخی دیگر از جمله اصل براءت، تفهیم اتهام و... ناظر بر دعاوی کیفری می‌باشند. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۲۴) در این قسمت نیز به تضمینات عمومی به عنوان اصول دادرسی عادلانه می‌پردازیم:

##### ۱-۱-۱- تضمینات عمومی

تضمینات عمومی شامل حق دادخواهی، استقلال و بی طرفی مرجع رسیدگی، برابری امکانات

دفاع، برخورداری از تسهیلات و مهلت کافی دفاع، حق رسیدگی حضوری، حق تجدیدنظر خواهی، حق رسیدگی علنی، حق رسیدگی در مهلت معقول و اصل تقابل یا تناظر است

### ۱-۲-۱-۲- حق دادخواهی

وجود حق دادخواهی اقتضاء می‌کند که هر فردی بتواند در زمانی که حق قانونی وی تضییع گردید به مرجعی صالح دسترسی داشته باشد و تظلم خواهی نماید. مبنای وجود چنین حقی اصل تساوی همگان در برابر قانون است که امکان دسترسی مساوی به دادگاه قانونی و صالح را نیز فراهم می‌کند. (عباسی، ۱۳۹۰: ۴۴۴) به این ترتیب هیچگونه تبعیضی براساس رنگ، جنس، نژاد، مذهب در دسترسی به دادگاه و مرجع رسیدگی قابل قبول نیست.<sup>۱</sup> همچنین به موجب بند ۱ ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق دادخواهی به عنوان حق مسلم به رسمیت شناخته شده است و در مقابل دولت متعهد است کلیه امکانات و تسهیلات لازم و در اجرای حق مذکور را فراهم کند و امکان دادخواهی و تظلم خواهی برای همه وجود داشته باشد. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۴۱) الزمه اجرایی شدن این حق وجود دادگاه‌های صالح به منظور ایجاد امکان دسترسی و همچنین عدم وجود مانعی در مراجعه به دادگاه برای همگان است. همچنین در اسالم دادستانان از وظایف و اختیارات قاضی محسوب می‌گردد. قاضی باید حقوق کسی را که حق وی مورد تجاوز قرار گرفته، پس از آنکه حق وی به وسیله ادله اثبات دعوی به اثبات برسد، بازپس گیرد. (منتظری، ۱۳۷۹: ۴۱۴)

### ۱-۳-۱-۳- استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی

استقلال به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی و اجرایی است و شامل استقلال دادگاه به لحاظ ساختاری و اعمال صلاحیت و استقلال قاضی در مرحله انتصاب و در مقام انجام وظیفه است. بیطرفی نیز به معنای عدم پیش داوری یا جانبداری از یک طرف دعوا، حزب، گروه یا قوم خاص است و به عبارت دیگر قضاوت و هیات منصفه نفع یا بهره شخصی در پرونده خاص نداشته باشند و فارغ از پیشفرض به موضوع رسیدگی کنند. (رستمی، ۱۳۸۸: ۹۴) دسترسی به دادگاه‌های مستقل و بیطرف در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۱ ماده ۱۱) به رسمیت شناخته شده است. یکی از نشانه‌های بیطرفی و استقلال دادگاه این است که به موجب قانون تشکیل گردد.<sup>۲</sup>

### ۱-۴-۱-۴- برابری امکانات دفاع (تساوی سلاح‌ها)

<sup>۱</sup> - (ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

<sup>۲</sup> - (ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر)

تساوی سلاح‌ها حکایت از برابری طرفین دعوا در برخورداری از امکانات مساوی جهت دفاع از خود دارد که به موجب آن طرفین باید از حداقل‌های حقوقی برخوردار باشند از جمله اینکه به طور یکسان به اسناد و مدارک پرونده دسترسی داشته باشند و از فرصت اعتراض برابر به ادله طرف دیگر برخوردار باشند. این اصل به ویژه در جایی که یک طرف آن نماینده قدرت عمومی یعنی دادستان است، اهمیت دارد و سبب می‌شود عامل قدرت مانعی بر سر راه تحقق عدالت نگردد. (رستمی، ۱۳۸۸: ۹۴)

### ۱-۲- دادرسی عادلانه از نگاه امام خمینی(ره)

امام خمینی با الهام از قرآن و روایات، به اهمیت ویژه مسئله قضاوت و داوری پرداخته و پس از بررسی آیاتی از قرآن نتیجه کلی می‌گیرد و برخی از آیات قرآن را که ظاهر در امر قضاوت است، علاوه بر امر قضاوت، مفید امر زمامداری و حاکمیت نیز می‌داند، زیرا که اجرای دستورات و احکام قاضی از وظایف مقام اجرایی است. اگر منازعات از قبیل زورگویی و جنایت بود رسول اکرم به عنوان رئیس دولت، مرجع است و اگر اختلافات حقوقی و جزایی بود باز هم رسول اکرم(ص) مرجع است اما به عنوان قاضی (ولایت فقیه، پیشین، ص ۷۶) امام در ادامه چنین نتیجه می‌گیرد:

«خلاصه، آیه اول: «إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ» و دوم: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» و آیه «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ»<sup>۱</sup> اعم از حکومت و قضاوت می‌باشد؛ و اختصاص به باب قضاوت ندارد. صرف نظر از این که بعضی از آیات ظهور در حکومت به مفهوم اجرایی دارد. در آیه بعد می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ»<sup>۲</sup>؛ آیا ندیدی کسانی را که می‌پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل شده ایمان آورده‌اند، می‌خواهند نزد طاغوت (قدرت‌های ناروا) دادخواهی کنند؛ در حالی که مسلم است که دستور دارند به آن (یعنی طاغوت) کافر شوند. ایشان در توضیح آیه اظهار داشته است که «اگر نگوئیم منظور از «طاغوت» حکومت‌های جور و قدرت‌های ناروای حکومتی به طور کلی است، که در مقابل حکومت الهی طغیان کرده و سلطنت و حکومت برپا داشته‌اند، باید قائل شویم که اعم از قضاوت و حکام است. چون رجوع برای دادرسی و احقاق حقوق و کیفر متعدی غالباً با مراجعه به مقامات قضایی انجام می‌گیرد؛ و باز حکم قضایی را مجریان - که معمولاً آنها را حکومت‌کننده می‌شناسند - اجرا می‌کنند. حکومت‌های جور، چه قضاوت

<sup>۱</sup> - [نساء، ۵۸ - ۵۹]

<sup>۲</sup> - [نساء، ۶۰]

و چه مجریان و چه اصناف دیگر، آنها «طاغوت» اند، چون در برابر حکم خدا سرکشی و طغیان کرده، قوانینی به دلخواه وضع کرده، به اجرای آن و قضاوت بر طبق آن پرداخته اند. خداوند امر فرموده که به آنها کافر شوید؛ یعنی در برابر آنها و اوامر و احکامشان عصیان بورزید. بدیهی است کسانی که می‌خواهند به «طاغوت» کافر شوند، یعنی در برابر قدرت‌های حاکمه ناروا سر به نافرمانی بردارند، وظایف سنگینی خواهند داشت که بایستی به قدر توانایی و امکان در انجام آن بکوشند.» (ولایت فقیه امام خمینی، ۱۳۹۰: ۸۸)

### ۱-۲-۱- اهمیت قضاوت از راه اختصاص آن به نبی یا وصی نبی در بیان امام خمینی

امام خمینی در بیانی قضاوت را در ردیف اول مسائل اسلام معرفی می‌کند: «قضا در اسلام از حیث اهمیت شاید در ردیف اول مسائل اسلام، و تعبیراتی هم که در لسان ائمه شده است، کشف از اهمیت بسیار می‌کند. و امیرالمؤمنین - علیه السلام - به شریح می‌فرمایند که: «یا شَرِيحُ! قَدْ جَلَسْتَ مَجْلِسًا لَا يَجْلِسُهُ إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ نَبِيٍّ أَوْ شَقِيٌّ»؛ ای شریح در جایگاهی نشسته‌ای که فقط پیغمبر یا وصی پیغمبر یا شقی در آن جا می‌نشیند. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷) یا نبی باید متکفل قضا باشد و یا وصی نبی. یعنی کسی که نبی به او سفارش کرده باشد، از این دو که گذشت شقی است. یا مثلاً گفته شده است، اگر کسی نسبت به دو درهم قضاوت ناحق کند کافر است. قضاوت در اسلام که حفظ حقوق مردم و حقوق الله است، که قاضی مستقل در قضاوت است. یعنی قاضی که در اسلام استقلال قضایی دارد، شرایط سنگینی دارد. (صحیفه امام خمینی، ۱۳۷۹: ۸۳۰)

امام خمینی در مناسبت‌های گوناگون به اهمیت جایگاه قضاوت در اسلام اشاره کرده است و اهمیت آن را از زاویه حراست از کرامت انسانی و احقاق حقوق انسان و جلوگیری از تضييع حق آدمی بر شمرده است. ایشان از اهمیت استقلال قضایی و عدم تأثیرپذیری آن از سفارش‌ها و جایگزینی روابط بر ضوابط در حکم کردن سخن گفته و بر بی طرفی کامل قاضی در امر خطیر قضاوت تأکید کرده است.

### ۱-۲-۳- نکات کلیدی در دیدگاه امام خمینی نسبت به قضاوت

- الف- منصب قضاوت، ریشه در نصب الهی دارد؛
- ب- قضاوت از شئون و وظایف مهم پیامبر (ص) است؛
- ج- پس از پیامبر (ص) وظیفه و منصب قضاوت از آن امام معصوم و در عصر غیبت از وظایف فقیه جامع شرایط است؛

د- قضاوت، در رأس مسائل اسلامی است، زیرا سر و کارش با جان، مال و آبرو و ناموس مردم است. نکته اخیر بر می‌گردد به انسان شناسی امام خمینی که با الهام از مکتب پیامبر اکرم(ص) و اهلیت عصمت و طهارت(ع)، برای انسان و حقوق او کرامت و عظمت خاصی قائل شده است؛ ه هرکس از غیر مسیر یادشده بر کرسی قضاوت تکیه بزند، شقی و غاصب است؛ و- عدالت ورزی از شاخصه‌های ضروری در امر مهم قضاوت است؛ ز- انبیا به طور عام، و پیامبر اکرم(ص) و امام علی و ائمه معصومین(ع) به طور خاص، ناب ترین الگوی عدالت ورزی در قضاوت می‌باشند؛ ح- مراجعه به غیر پیامبر(ص) و جانشینان آن حضرت، مراجعه به طاغوت و برابر با بی دینی است.

امام خمینی در کتب تحقیقی خود نیز به شئون مختلف پیامبر پرداخته، از جمله در باره شأن قضاوت پیامبر می‌نویسد:

«ثالثها: مقام القضاء و الحکومة الشرعیة، و ذلك عند تنازع الناس فی حقّ أو مال، فإذا رفع الأمر إلیه و قضی بمیزان القضاء یكون حکمه نافذاً لا یجوز التخلّف عنه، لا بما أنه رئیس و سلطان، بل بما أنه قاضٍ و حاکم شرعی، و قد یجعل السلطانُ الإمارةً لشخص، فینصبه لها، و القضاء لآخر، فیجب علی الناس إطاعةُ الأمير فی إمارته، لا فی قضائه، و إطاعةُ القاضی فی قضائه، لا فی أوامره، و قد یجعل کلا المقامین لشخص أو لأشخاص. و بالجمله: إن لرسول الله - مضافاً إلی المقامین الأولین - مقام فصل الخصومة و القضاء بین الناس. (بدایع الدرر امام خمینی، ۱۴۱۴: ۱۰۷)

امام خمینی در ادامه به آیه ذیل می‌پردازد؛ قال تعالی: (فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِماً)؛ نه به پروردگارت سوگند که ایمان نمی‌آورند: (یعنی ایمانشان کامل نمی‌شود) مگر وقتی که هم در اختلافاتی که بینشان پدید می‌آید تو را حکم کنند، و هم وقتی حکمی راندی در دل هیچ‌گونه ناراحتی از حکم تو احساس نکنند، و به تمام معنا تسلیم شوند. شهید مطهری نیز بر شأن قضاوت رسول اکرم(ص) تأکید کرده و آن را نه تشریفاتی و عادی بلکه منصب الهی دانسته است:

«منصب دیگری که پیغمبر اکرم متصدی آن بود، منصب قضاست؛ او قاضی میان مسلمین بود، چون قضا هم از نظر اسلام یک امر گُتره‌ای نیست که هر دو نفری اختلاف پیدا کردند، یک نفر می‌تواند قاضی باشد. قضاوت از نظر اسلام یک شأن الهی است، زیرا حکم به عدل است و قاضی



آن کسی است که در مخاصمات و اختلافات می‌خواهد به عدل حکم کند. این منصب هم به نص قرآن که می‌گوید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»<sup>۱</sup> به پیغمبر تفویض شده و رسول اکرم از جانب خدا حق داشت که در اختلافات میان مردم قضاوت کند. این نیز یک منصب الهی است نه یک منصب عادی. عملاً هم پیغمبر قاضی بود». (مطهری، ۱۳۸۹: ۷۱۵)

## ۲- حریم خصوصی

حریم خصوصی، از موضوعات بنیادین حقوق بشری و یکی از مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه یافته است که ارتباط بسیار نزدیکی با کرامت انسان‌ها دارد، بنابراین پشتیبانی و حمایت از شخصیت افراد و حقوق شهروندان، نیازمند حمایت از حریم خصوصی است. در نظام حقوقی ایران، حریم خصوصی به صورت مشخص و معنون حمایت نشده و در واقع، موضع حقوق موضوعه ایران در مواجهه با حریم خصوصی، تحویل گرایانه است. حقوق و آزادی‌ها به منزله حریم خصوصی به طور ضمنی و در میان سایر قواعد حقوقی، به طور ناقص، مورد حمایت قرار گرفته‌اند. قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون آزادی اطلاعات، قوانین و مقررات مربوطه به ارتباطات پستی، تلفنی و قانون مطبوعات در زمره قوانین و مقرراتی هستند که گاه ضمنی و گاه صریحاً از برخی مصادیق حریم خصوصی حمایت کرده‌اند. البته برخلاف قوانین اساسی کشورهای دیگری که از حریم خصوصی به صورت مشخص و در قالب اصل یا اصول خاصی حمایت کرده‌اند، در قانون اساسی ایران متن خاصی که از حریم خصوصی، تحت این عنوان حمایت کرده باشد، وجود ندارد.

## ۲-۱- حریم خصوصی از منظر امام خمینی (ره)

مهم‌ترین موضع‌گیری امام خمینی درباره لزوم حفظ حریم خصوصی افراد، فرمان مشهور به هشت ماده ای ایشان است که در ۱۳۶۱/۹/۲۴ خطاب به مسئولان اجرایی و قضایی کشور صادر فرمودند، اینکه امام خمینی چنین موضوعی را نه در قالب سخنرانی و توصیه بلکه در قالب فرمان لازم‌الاجرا صادر فرمودند نشان دهنده اهمیت و توجه بسیار ایشان به لزوم رعایت حریم خصوصی افراد است.

فرمان تاریخی امام خمینی (س) در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی در شرایطی صادر شد که عده‌ای به نام دین و اسلام به محل کار و منازل مردم هجوم می‌بردند و آنها را مورد هتک و توهین و

<sup>۱</sup> - (اسراء، ۶۵)

آزار قرار می‌دادند که امام به شدت با آنها مخالف کردند. از دید امام خمینی اینگونه برخورد با افراد، خارج از ضوابط شرعی است و موجب فساد می‌شود و همانطور که در فرمان هشت ماده‌ای اعلام می‌کنند علاوه بر اینکه افراد را از توسل به چنین اقدامی به هر انگیزه‌ای باز می‌دارند دولت را هم موظف به جلوگیری از این اقدام‌ها و مجازات متخلفین می‌کنند. امام خمینی (س) با صدور فرمان هشت ماده‌ای اولاً افراد را از توسل به اقدامات خودسرانه باز میدارند و ثانیاً دولت و قوه قضاییه را مسئول جلوگیری از اینگونه کارها می‌دانند. مبنای مخالفت امام با اقداماتی از این دست آن است که ایشان آنها را از مصادیق ظلم می‌دانند و از آنجا که از دید امام بزرگترین هدف اسلامی و انقلاب اسلامی برقراری عدالت است به شدت با آنها مخالف و تاکید می‌کنند که حتی به نام دین هم این اقدام‌ها قابل توجیه نیست. (رنجبر، ۱۳۸۲: ۱۷۳)

مهم‌ترین نکاتی که در فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی قابل تشخیص است، عبارتند از:

۱) لزوم اسلامی نمودن احکام قضایی و تهیه قوانین شرعی و تصویب و ابلاغ سریعتر آنها  
 ۲) بررسی صلاحیت قضات، دادستان‌ها و دادگاه‌ها و درحالی‌که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می‌شوند اشخاص مفید و موثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند، «میزان حال فعلی اشخاص است».

۳) تاکید بر استقلال و قاطعیت قضات واجد شرایط اسلامی در قضاوت و داوری بگونه‌ای که ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است.

۴) احضار و توقیف افراد بدون حکم قاضی که بر اساس موازین شرعی است جایز نمی‌باشد و تخلف از آن موجب تعزیر است.

۵) تصرف در اموال منقول و غیرمنقول بدون حکم حاکم شرعی (که بر اساس موازین صادر شده‌باشد) جایز نیست.

۶) ورود به مغازه‌ها و محل کار و منازل افراد بدون اذن صاحبخانه برای جلب یا به نام کشف جرم و ارتکاب گناه ممنوع است.

۷) شنود تلفن، گوش دادن به نوار ضبط صوت دیگران به نام کشف جرم جایز نیست.

۸) تجسس از گناهان غیر و دنبال اسرار مردم بودن جایز نمی‌باشد.

۹) فاش ساختن اسرار مردم جرم و گناه است.

۱۰) تجسس در صورتی جایز است که برای کشف توطئه‌ها و مقابله با گروهک‌های مخالف

نظام جمهوری اسلامی که قصد براندازی نظام و ترور شخصیت‌ها را دارند و تنها بشرط مطمئن

بودن جایز است.

۱۱) در صورت جواز تجسس باید ضوابط شرعی رعایت گردد و یا دستور دادستان باشد چراکه تعدی از حدود شرعی نسبت به آنان نیز ناروا است.

۱۲) اگر ماموران قضایی از روی خطا و اشتباه وارد منزل شخصی یا محل کار خصوصی شدند و با آلات لهو و قمار و فحشا و موادمخدر برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان نماید و از ضوابط شرعی تعدی کند و حق جلب آنان را نیز نداشته و تنها باید نهی از منکر کنند.

۱۳) کسانی که شغل آنان گردآوری و توزیع موادمخدر است مصداق مفسد فی الارض قرار می گیرند و علاوه بر ضبط موادمخدر باید آنان را به مقامات قضایی معرفی کرد.

۱۴) قضات حق ندارند حکمی صادر کنند که ماموران اجازه ورود به منازل یا محل کار افراد را داشته باشند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه علیه نظام.

۱۵) مسئولین قضایی و اجرایی موظف به جلوگیری از امور ذکر شده هستند.

۱۶) قابل قبول و قابل تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق اسلامی از اشخاص صادر شود.

۱۷) مردم باید احساس آرامش و امنیت کنند و قوه قضاییه و دولت را پشتیبان خود بدانند. (مهريزی، ۱۳۷۸: ۶۷) و امام خمینی پس از صدور فرمان نیز به طور جد پیگیر اجرای آن بودند و در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۴ هیئتی شش نفره را جهت پیگیری فرمان هشت ماده ای تشکیل می دهند و در سخنرانی هایشان به لزوم اجرای فرمان تاکید می کنند: « همانطور که من عرض کردم به آقایان، رفتن و جاسوسی کردن و تجسس کردن... این کارها نباید بشود. از آن رو هم... اگر متظاهر شد به یک فسقی، متظاهر شد به اینکه یک چیزی که خلاف شرع است، مامورند همه ی مردم برای اینکه، نهی از منکر کنند... ما نگفتیم که احکام اسلام که جاری می شود، یک تکه اش جاری بشود. همین جاری بشود که جاسوسی نشود و نمی دانم -تفتیش نشود؟... نباید ما تعدی بکنیم و ظلم بکنیم و تفتیش از داخل خانه های مردم بکنیم... از آن رو هم اگر سوء استفاده بخواهند بکنند... اگر کسی فسق بکند در خارج، متظاهر بشود، هر نحو فسقی باشد، به شدت باید دولت با او عمل کند. » (صحیفه امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۶۱)

### ۳- حق برآزادی اندیشه

حق آزادی بیان یکی از حقوق اساسی و بنیادین بشری به حساب می آید. این حق از زمان خلقت انسان وجود داشته و تا پایان حیات انسان و روز محشر نیز باقی خواهد ماند. این واژه ((

آزادی بیان)) تنها آزادی سخن راندن را شامل نمی‌شود بلکه آزادی عقیده و مذهب و دین را نیز در بر می‌گیرد و ابعاد متعددی چون حق دسترسی به اطلاعات و تکنولوژی‌های جدید و حق آزادی مطبوعات و تبلیغات تجاری و . . . را نیز شامل می‌گردد. دولت‌ها در قبال این حق یکسری وظائف و تکالیفی دارند که جنبه ی ایجابی دارد. آزادی بیان در قانون اساسی و اصول متعددی و همچنین در قرآن کریم مورد شناسایی قرار گرفته و در اسناد حقوق بشری نیز در مورد آن مطالب بسیار گسترده‌ای یافت می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۴)

این حق در قلمرو اجرا، دارای یکسری محدودیت‌هایی است که هم قرآن کریم و هم اسناد حقوق بشری به احصا آنها پرداخته اند.

### ۳-۱- حق بر آزادی اندیشه از منظر امام خمینی(ره)

از نظر امام خمینی(س) آزادی امر واضحی است که نیازی به تعریف ندارد، لذا ایشان فرمودند: « آزادی یک مسئله ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده شان آزاد است. کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید. کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی. کسی الزامتان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی، یا در آنجا چه شغلی را انتخاب کنی، آزادی یک چیز واضحی است. » (صحیفه امام خمینی، ۱۳۷۹: ۹۴)

بر اساس اندیشه امام خمینی(س) آزادی عطیه‌ای الهی است و اسلام آن را امری فطری می‌داند و در اوج شکل گیری نهضت اسلامی ایران بزرگ ترین جرم شاه را سلب آزادی های اجتماعی دانسته و چنان شفاف و آزاد اندیشانه از آن سخن می‌گویند که به حق شایسته روشن‌فکرترین و روزآمدترین و آگاه ترین سیاستمدار فرزانه و فرهیخته دینی می‌باشد: « این چه وضعی است که در ایران هست؟ این چه آزادی است که اعطا فرموده اند آزادی را؟! مگر آزادی اعطا شدنی است؟! خود این کلمه جرم است. کلمه اینکه «اعطا کردیم آزادی را» این جرم است. آزادی مال مردم هست، قانون آزادی داده، خدا آزادی داده به مردم، اسلام آزادی داده، قانون اساسی آزادی داده به مردم. «اعطا کردیم» چه غلطی است؟ به تو چه که اعطا بکنی؟ تو چه کاره هستی اصلش؟ «اعطا کردیم آزادی را بر مردم!» آزادی اعطایی این است که می‌بینید. آزادی اعطایی که آزادی - حقیقتاً - نیست، این است که می‌بینید. برای این است که مردم را اغفال کنند. » (صحیفه امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴۰۷)

امام(س) در خصوص آزادی عقیده چنین فرمود: « اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیتهای مذهبی آزادی داده است. آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان‌ها قرار داده است، بهره مند شوند. ما به بهترین وجه از آنان نگهداری می‌کنیم. در جمهوری

اسلامی کمونیست‌ها نیز در بیان عقاید خود آزادند. . . .» (صحیفه امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۶۴)  
 اندیشه انسان از طریق قلم و نوشتن هم به دیگران منتقل می‌شود. اگر تفکر و اندیشه آزاد است، قلم نیز باید در چارچوب شرع و منافع ملی، آزاد باشد. اسلام نه تنها محدود کننده چنین آزادی نیست، بلکه تشویق کننده آن است.

امام خمینی در این باره می‌فرماید: « شما روزنامه‌ها را که می‌خوانید می‌بینید که در روزنامه‌ها زیاد این به چشمتان می‌خورد که این به آن بد می‌گوید، آن به این. حالا که قلم آزاد شد باید این طور باشد که هر کس به دیگری هر چه دلش بخواهد بد بگوید و هر کس به دیگری یا کاری بکنند که این مملکت از نظم بیرون برود، از نظام بیرون برود. این معنای آزادی است؟ آن آزادی که در ممالک که ما را می‌خواهند بخورند هست، این طوری است؟ اگر این طور بود، انسجام پیدا نمی‌کردند. این ترقیات را پیدا نمی‌کردند. آنها با اسم آزادی که در این مغز این جوانها می‌اندازند، با اسم آزادی می‌خواهند شما را تحت حمایت خودشان قرار بدهند و آزادی را از شما سلب بکنند.» (صحیفه امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴۵۹)

اسلام آزادی را حق همه مردم می‌شمارد و آن را موجب رشد و تکامل انسان‌ها می‌داند و حد آن را مرزهای الهی ذکر کرده است. بدیهی است که این بایدها و نبایدهای الهی هرگز مخل آزادی نیست، بلکه ضامن و تامین کننده آزادی است. در جامعه‌ای که قانون حاکم نیست، افراد آن دست خوش هوا و هوس و قدرت دیگران خواهند بود و هرج و مرج به وجود خواهد آمد و در این صورت هیچ کس آزاد نیست. پس با بودن قانون الهی همگان در حدود آن آزادند. چرا که در چنین جامعه‌ای هیچ کس نمی‌تواند توطئه کند و از فضای آزادی سوء استفاده کند.

امام در این خصوص فرمود: « یک ملتی حق دارد که کسی که بخواهد ملتش را به تباهی بکشد و توطئه کند و باز همان مسائل سابق را برای او پیش بیاورد، از آن جلوگیری بکند. و آلا ملت ما طرفدار آزادی است. طرفدار همه جور آزادی است. و لکن طرفدار توطئه نیست. طرفدار تباهی نیست.» (صحیفه امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۳۱)

امام در جای دیگر می‌فرماید: « ما هیچ گاه آزادی آنها (مارکسیست‌ها) را سلب نکرده و به آنها لطمه وارد نیاورده ایم. هر کس آزاد است که اظهار عقیده کند و برای توطئه کردن آزاد نیست. . .» (صحیفه امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۷۱)

امام آزادی غربی را رد می‌کند، آن را موجب تباهی و انحراف جوانان می‌داند. ایشان حدود آزادی را عدم مخالفت با شرع، عفت عمومی، مصالح کشور و مسیر ملت می‌دانست و وظیفه آحاد مردم مسلمان را نیز در برابر آزادی‌های غیر شرعی و قانونی بیان کرد و در این خصوص فرمود: «

آزادی به شکل غربی آن، که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است. و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات بر خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است. و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و از آزادیهای مخرب باید جلوگیری شود. و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه بر خلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند.» (صحیفه امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴۳۶)

امام در مورد اخلاق و سنت‌های انسانی در تشریح اوضاع آینده ایران، بر آزادی‌های مقید به شئون جامعه تأکید دارند و می‌گویند: «ما موافق رژیم آزادیهای کامل هستیم. باید حدود رژیم آینده ایران، همان گونه که برای کلیه دولتهای متکی به مردم مطرح است، منافع مجموع جامعه را دربرگیرد و همچنین باید به شئون جامعه ایرانی مقید بوده باشد، زیرا عرضه یک جامعه غیر محدود، دستبرد به شرف مردان و زنان آن می‌باشد.» (صحیفه امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳)

### نتیجه‌گیری:

امنیت روانی ناظر بر حفظ حریم خصوصی، دادرسی عادلانه، آزادی اندیشه است و اشخاص برای بهره برداری از حقوق شهروندی خویش نباید هیچگونه هراس و اضطرابی داشته باشند و در عین حال، حکومت باید آنها را از تعرض حفاظت نماید. این مقاله درصدد برآمد که به این سؤال پاسخ دهد که مؤلفه‌های امنیت روانی در اندیشه امام خمینی (ره) چه می‌باشند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که؛ اولاً؛ امام خمینی (ره) به عنوان معمار کبیر انقلاب اسلامی، به ابعاد مختلف امنیت توجه داشتند و با مذاقه در اندیشه‌های امنیتی ایشان میتوان به این مهم دست یافت که ایشان به امنیت روانی اشخاص و شهروندان اعتقاد داشتند. نمونه بارز توجه امام خمینی (ره) به امنیت شخصی یا فردی، صدور فرمان هشت ماده‌ای به وسیله ایشان میباشد که برخی از مؤلفه‌های این فرمان مبنی بر؛ آرامش قضایی و در امان بودن جان و مال اشخاص، عدم تعرض به افراد، توقیف اشخاص با موازین شرعی و حکم قاضی، عدم ورود به منازل و محل کسب اشخاص، جایز نبودن تجسس در اسرار شخصی، عدم تعدی به افراد بدون داشتن حکم قانونی، استقلال قضایی، ایجاد احساس آرامش برای مردم و غیره، نشان از اهمیت امنیت حوزه خصوصی افراد و امنیت شهروندان میباشد. ثانیاً؛ برخی از مؤلفه‌های امنیت شخصی از منظر امام (ره) دارای مؤلفه‌های متعددی میباشد که برخی از آنها عبارتند از: حق برخورداری از آزادی برای شهروندان در عرصه‌های قلم و مطبوعات، عقیده و اندیشه، منصب و شغل، احزاب و گروههای سیاسی، اقلیتهای ذهبی و امور بانوان؛ پاسداشت حریم خصوصی و شخصی در حوزه‌های مکاتبات و ارتباطات، مسکن و حریم شخصی، محل کار، اموال و

داراییهای شخصی؛ صیانت از شأن و کرامت انسانی شهروندان، جلوگیری از تخریب عرض، حیثیت و آبروی اشخاص در جامعه، ممنوعیت شکنجه و بد رفتاری با مجرمان و گناهکاران، امنیت قضایی و رعایت اعتدال در آن میباشد. ثالثاً؛ قاعدتاً مؤلفه‌های امنیت شخصی با تهدیداتی مواجه میباشد که با مذاقه در اندیشه‌های امام خمینی (ره) میتوان به آنها دست یافت. به هر روی، برخی از این تهدیدات عبارتند از؛ دخالت اجانب و تسلط آنها بر مقدرات مسلمین، خدشه‌دار کردن شرف یک مؤمن، انحراف در دستگاه قضایی کشور و دادگاههای انقلاب، برخورد نیروهای پاسدار با شهروندان جامعه بر اساس حفظ نفسانیه و بر خلاف تعهد و سلامت اسلامی، از بین رفتن استقلال قضایی کشور، تفتیش عقاید، سلب آزادی قلم، بیان، افکار و حتی حق حیات، غصب حقوق مسلمین و سلب آزادی، فساد بی حد و حصر نسبت به مردم، احزاب فرمایشی و انتخابات خائنانه، محیط خفقان و ارعاب، تجاوز به مراکز علم و دانش، سانسور مطبوعات، هتک آبرو و حیثیت اشخاص، اعمال غیرشرعی و غیرقانونی، ورود به خانه یا مغازه شخص بدون اجازه، دخل و تصرف در اموال منقول و غیرمنقول اشخاص بدون حکم حاکم، ورود به خانه و مغازه و یا محل کار شخصی بدون اذن صاحب آن، گوش دادن به تلفن و ضبط صوت دیگری، زورگویی‌ها علیه جان، مال و مسکن، و غیره. باتوجه به مطالب موردبررسی شده در این مقاله میتوان گفت:

۱. پرداختن به موضوع امنیت روانی در مدارس و دانشگاه‌ها و قرار دادن سرفصلی تحت این عنوان در متون درسی.

۲. لزوم بررسی تخصصی هرکدام از راه‌ها و موانع ایجاد امنیت روانی به صورت مستقل و ویژه در مطالعات کاربردی

۳- پیرامون امنیت روانی در متون اسامی، قرآن کریم و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی، تحقیقات و پژوهش‌های بسیار محدود و اندکی صورت گرفته است. بنابراین با توجه به ظرفیت دینی و قرآنی جامعه علمی و همچنین نیاز کشور به این تحقیقات، لازم است مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، به طور ویژه و مجزا به موضوعات امنیت روانی بپردازند و نتایج آن را در اختیار جامعه علمی قرار دهند.

- ۱- افتخاری، اصغر، (۱۳۹۰)، امنیت عمومی در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم.
- ۲- امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۹)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.
- ۳- امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۰)، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و چهارم.
- ۴- امام خمینی، سید روح الله، (۱۴۱۴)، بدایع الدرر فی قاعده نفی الضرر، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، الطبعة الثانية.
- ۵- سوادکوهی فر، سام، (۱۳۸۸)، رابطه نظام دادرسی با حقوق شهروند، در مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، تهران: گرایش.
- ۶- حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت (ع)، چاپ اول.
- ۷- رستمی، ولی، (۱۳۸۸)، دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران، تهران: گرایش.
- ۸- عباسی، بیژن، (۱۳۹۰)، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران: نشر دادگستر.
- ۹- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۶)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، (شرکت سهامی انتشار).
- ۱۰- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، صدرا.
- ۱۱- مهریزی مهدی، (۱۳۷۸)، دولت دینی و حریم خصوصی؛ بازخوانی فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (س)، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۲.
- ۱۲- منتظری، حسینعلی، (۱۳۷۹)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، تهران: سرایی، جلد سوم.
- ۱۳- هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.